



## بیانات معظم له در دیدار مسؤولان قوه قضاییه، خانواده های شهدای هفتم تیر و جمعی از قضات - 7 تیر / 1380

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه برادران و خواهران عزیز - چه مسؤولان محترم قوه قضاییه و چه خانواده های محترم شهدای عزیز فاجعه ی خونبار هفتم تیر سال شصت - خوشامد عرض می کنم. این اتفاق پرمعنایی است که هفته قوه قضاییه، هفته شهادت است و نام قوه قضاییه با نام يك شهید بزرگ و فراموش نشدنی گره خورده است. سختی کار قوه قضاییه و عظمت مسؤولیتی را که این قوه بر دوش گرفته است، از این جا می شود حدس زد. اگر کسی قضایای کشور ما را از آغاز دنبال کرده باشد، این را می فهمد که یکی از نقاطی که از اول تشکیل نظام اسلامی، دشمنان اسلام و این نظام را به مخالفت بر می انگیزت، همین مسأله قوه قضاییه و قضای اسلامی بود.

در رأس قضاء کشور، يك شخصیت فاضل، روشنفکر، آگاه، مدیر، باتدبیر و از عمق جان معتقد به احکام و قضای اسلام قرار داشت. این چیزی بود که بسیاری از مخالفتها را علیه شهید بهشتی و قوه قضاییه در آن روز سازماندهی می کرد. امام فرمودند شهید بهشتی مظلوم بود. ما هم یادمان هست که او چقدر مظلوم بود؛ اما این مظلومیت از سوی چه کسانی بر او تحمیل می شد؟ از جمله کسانی که باید پاسخ مظلومیت این شهید عزیز را بدهند، اینهایی هستند که حاضر نبودند قضای اسلامی را در جامعه ایران اسلامی تحمل کنند. اینها مایل بودند که قضاوت کشور، همچنان با الگوهای ناقص، نارسا، کاملاً کهنه شده و منسوخ غربی ادامه پیدا کند؛ آن هم با همان فسادهایی که قبل از انقلاب چنان در دستگاه قضاء رسوخ کرده بود که شبیه آن را در کمتر جایی می شد پیدا کرد. این که بنای قضای اسلامی به دست يك معمار توانا و شجاع و بااراده، آن هم درست بر پایه های اسلامی تشکیل و بنیانگذاری شود، برای آنها غیر قابل تحمل بود. می خواستند مسؤولان قضای اسلامی را با هو و جنجال و تهمت زدن از میدان خارج کنند. کسانی که آن زمانها را به یاد دارند، جزئیات را می دانند.

شهدای هفتم تیر، شهدای حاکمیت ارزشهای اسلامی و اساس جمهوری اسلامی اند. این طور نبود که کشندگان و ترورکنندگان و حمله کنندگان ناجوانمرد به شهدای عزیز هفتم تیر، با شخص و جناح و گروهی مخالف باشند؛ آنها با اصل نظام اسلامی و استقلال ایران مخالف بودند. نامها تأثیری نمی گذارد؛ حقایق را باید در نظر گرفت. حقیقت مخالفت با شخصیتهایی مثل شهید بهشتی و دیگر بزرگانی که در هفتم تیر به شهادت رسیدند، در همین جمله خلاصه می شود: مقابله با حاکمیت اسلام و قوانین و ارزشهای اسلامی. لذا این عزیزان در تاریخ ما جای برجسته ای دارند؛ هم شهید بهشتی و هم دیگر عزیزان شهید شده در آن ماجرای خونبار.

يك رکن اساسی از نظام کشور ما، قوه قضاییه است. سازوکاری هم که در قانون اساسی برای این قوه پیش بینی شده است، از جهات مختلف بسیار متقن و اطمینان بخش است. وظایفی که برای قوه قضاییه معین شده، نوع تکالیفی که بر دوش این قوه گذاشته شده، شرایطی که برای مسؤولان گوناگون در این قوه در قانون اساسی و دیگر قوانین و مبانی اسلامی معین شده، تضمین کننده این معناست که دستگاه قضاء بتواند به وظیفه خود عمل کند. وظیفه اساسی دستگاه قضایی چیست؟ عبارت است از دفاع شجاعانه و قدرتمندانه از عدالت. روح کار، این است. اجرای قوانین، وظیفه همه است؛ اما تخلف از قوانین، جرمی است که دستگاه قضاء به آن رسیدگی می کند. مجموعه قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید به يك قله منتهی شود و آن عبارت است از عدالت؛ «بالعدل قامت السموات والأرض»؛

عدالت در بنیان عالم و آفرینش، نقش اساسی دارد؛ یعنی ست آفرینش، عدل است و هر نظام اجتماعی اگر به دنبال



این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرد، ماندگار و موفق و کامیاب است. انسان زمانی کامیاب است که خود را با قوانین آفرینش و سنتهای الهی - که تغییر و تبدل ناپذیر است - تطبیق دهد. بنابراین، بنا بر دیدگاه الهی، در مجموع آفرینش، عدالت یک ریشه تکوینی و طبیعی دارد. چه مرجعی باید این عدالت را تضمین کند؟ قوه قضاییه. چه مراکزی باید آن را اجرا کنند؟ همه دستگاهها. درعین حال اگر دستگاهها در اجرای عدالت تخلف کردند، آن ترازوی دقیقی که می تواند این تخلف را بدون اغماض تشخیص دهد و بعد آن دست و پنجه قدرتمندی که می تواند متخلف را به سزای تخلفش برساند، کیست؟ قوه قضاییه. بنابراین اگر قوه قضاییه حضور نداشته باشد، یا قدرت نداشته باشد، یا شجاعت نداشته باشد، یا امکان کار نداشته باشد، یا خدای نکرده دچار ضعفهای داخلی باشد، مطلقاً در جامعه عدالت تضمین ندارد. اهمیت قوه قضاییه از این جا ناشی می شود. پس دفاع شجاعانه و قدرتمندانه از عدالت در جامعه، وظیفه قوه قضاییه است.

البته این عدالت، عرض عریضی دارد: گاهی در یک مرافعه خصوصی است؛ دعوا سر فلان مقدار پول، چند متر زمین، وقوع یک جنایت، ضرب و جرح و از این قبیل چیزها. گاهی در یک مسأله مهمتر است؛ آن جایی است که به سرنوشت و حقوق و مسیر زندگی مردم ارتباط پیدا می کند. گاهی یک امر مالی بزرگ است؛ کسانی دست تظاول به سوی اموال متعلق به مردم و فقرا می گشایند؛ فرض بفرمایید هزاران انسان یا هزاران خانواده در روستا و یا در شهر باید با صرف مبلغی جاده دار و کارخانه دار شوند، امکانات زندگی و شغل و مزرعه و غیره برایشان فراهم شود؛ بعد یک انسان زیاده طلب و متجاوز می آید و همین پولی را که باید صرف این همه کار شود، یکجا به کیسه مطامع شخصی خود می ریزد. این جرم، بسیار بزرگتر است از این که یک نفر مثلاً به صورت دیگری سیلی بزند؛ البته آن هم جرم است و از آن هم نباید گذشت؛ اسلام حتی «ارش الخدش» را نادیده نمی گیرد - اگر با ناخن، اثری بر روی پوست کس دیگری گذاشتید، چنانچه طرف، مدعی باشد، اسلام از این هم نمی گذرد - اما جرائم، عرض عریضی از زمین تا آسمان دارد. بعضی جرائم در اوج جنایتند؛ لذا اهمیت اینها بیشتر است. وقتی شما می خواهید با کسی که بیت المال و اموال عمومی را با کمال وقاحت و بی رحمی به کیسه مطامع شخصی خود ریخته است، مقابله کنید، این کار شجاعت و اقتدار و حیثیت قضایی در میان مردم می خواهد. کسانی که با بهانه های جزئی، مرتب دستگاه قضایی را مورد تهاجم قرار می دهند، فکر این جاها را می کنند یا نه؟! خدشه وارد آوردن به حیثیت دستگاه قضایی، یکی از مضرترین ضربه ها بر نظام زندگی مردم است و می شود گفت یک جنایت است. فرقی نمی کند؛ گاهی ممکن است خدای نکرده این خدشه از درون قوه قضاییه اتفاق بیفتد؛ گاهی هم از بیرون قوه قضاییه. پس دفاع از عدالت، چنان مصادیق سنگینی دارد.

گاهی قضیه از این هم بالاتر است. امروز نظام جمهوری اسلامی - که مستقل و دارای اعتماد به نفس است - در مقابل زیاده خواهی نظام استکبار جهانی ایستاده است. امروز برای نادیده گرفتن حق ملت فلسطین، امریکا و دستیارانش و صهیونیستهای دنیا و پولدارهای درجه یک عالم، همه نیروی رسانه ای و سیاسی خود را صرف می کنند، برای این که چند میلیون انسان فلسطینی را به کتلی خفه و از صحنه معادلات جهانی و انسانی حذف کنند. هر جا هم که دستشان رسیده است، اعمال نفوذ کرده اند و دولتها را با خودشان همراه کرده اند؛ اما وقتی به ایران می رسند، شمشیرشان با صخره برخورد می کند و می بینند هیچ فایده ای ندارد. بنابراین با نظام جمهوری اسلامی مخالفت می کنند و می خواهند این مانع را از سر راه بردارند. اگر دستگاه استکباری، با انگیزه شوم و خباثت آمیز و با تکیه به پول و ارتباطات سیاسی و قدرت پوشش رسانه ای خود توانست در داخل کشور پایگاهی درست کند و انسانهای فریب خورده و زبونی را علیه مصالح کشورشان به خدمت گیرد و اینها در جهت خواست دشمن، عملی انجام دهند، این جنایت از آن جنایات مالی به مراتب بالاتر است. چه کسی می خواهد در مقابل این بی عدالتی علیه ملت ایران بایستد؟ این کار، شجاعت و اقتدار و انگیزه لازم دارد. عزیزان! کار بزرگی برعهده گرفته اید. هر تلاشی در راه



اعتلای قوه قضاییه، قدمی در راه اعلائی کلمه اسلام و یک جهاد فی سبیل الله است. البته هر قضاوتی به طور طبیعی یک دسته مخالف و ناراضی دارد. ناراضیهای از قضاوت دو گونه اند: بعضی کسان آداب و اصول و قواعد زیست اجتماعی را رعایت می کنند؛ یعنی اگر از حکم ناراضی هستند، لیکن به صورت قاضی پنجه نمی کشند؛ اما بعضی کسان هم رعایت نمی کنند؛ از قضاوت ناراضی اند، ولی به صورت قاضی شجاع - که باید دستش را بوسید - به خاطر حکمی که امضاء کرده، پنجه می زنند! از قضاوت ناراضی اند، ولی از مجرم محکوم شده دفاع می کنند! دفاع از مجرم، جرم است؛ دفاع از مجرم محکوم شده طبق قانون، مبارزه با قانون است. بعضی کسان باید اینها را بفهمند. ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار می کنیم که قاضی باید مستقل باشد و تحت تأثیر کسی قرار نگیرد. با تلفن و امر کسی نمی شود قضاوت کرد؛ باید با وجدان و علم و حجت شرعی خود قضاوت کند. این دستوردهنده تحمیل کننده کیست؟ شکل عادی معمولی ساده قدیمی آن این است که یک نفر بگوید آقا این گونه حکم کن؛ والا چنین و چنان! این روش چندان رایجی نیست. طور دیگر هم می شود قاضی را زیر فشار قرار داد: با تیترو زنامه، با فشار سیاسی و انواع و اقسام جوسازی. از یک طرف قاضی باید تحت تأثیر این جوسازیه‌ها قرار نگیرد - دستگاه قضا؛ چه مدیران ارشد، چه قضات شریف و محترم، به هیچ وجه نباید تحت تأثیر کار غیر منطقی کسانی قرار گیرند که می خواهند مقاصد خودشان را با جوسازی علیه قوه قضاییه ساماندهی کنند و پیش ببرند - از طرف دیگر خود آن افراد باید بدانند که کار خلافی می کنند. البته کار خلاف از طرف مسؤولان کشور قابل اغماض است؛ اما نه آن وقتی که به صورت رویه درآید.

همه قضات شجاع و همه بخشهای دستگاه قضایی، آن روزی که به وظیفه خودشان عمل کنند و خدا را حاضر و ناظر بدانند و با چشم باز قضاوت کنند، باید به خودشان ببالند؛ چون «اولئك علیهم صلوات من ربهم و رحمة». در {P} بقره: 157}

شرایط دشوار، صبر بر یک عمل بزرگ و انقلابی، صلوات و رحمت الهی را در بر دارد. بنابراین باید به خودشان ببالند. آنها باید بدانند که کارشان زیر مراقبت کرام الکاتبین قرار دارد. بهترین یادداشت کنندگان جزئیات اعمال ما، مأموران الهی اند. با این روحیه، کار را دنبال و عمل کنند.

البته همه دستگاهها وظیفه دارند به قوه قضاییه کمک کنند؛ مجلس و دولت وظیفه دارند کمک کنند. مشکلات مالی و پولی و برنامه ای امثال اینها - که جناب آقای هاشمی اشاره فرمودند - مشکلات مهمی است. یقیناً باید همه دستگاهها کمک کنند؛ بنده هم بلاشک سفارش خواهم کرد.

قوه قضاییه وظایف سنگینی بر دوش دارد. من بارها خدای متعال را به خاطر نعمت وجود رئیس فاضل، عالم، فقیه، روشنفکر و شجاع در رأس این قوه شکرگزاری کرده ام. بسیاری از اوقات وقتی به بعضی از مطالبی که مطرح می شود و برنامه هایی که دنبال می گردد، نگاه می کنم، به یاد همان دوره مرحوم شهید بهشتی می افتم. قوه قضاییه حقیقتاً به این مایه و مبلغ علمی و فکری و سلامت نفسانی و شجاعت و روشن بینی و روشنفکری احتیاج دارد. باید تلاش کرد و همه این سرمایه ها را در راه اعتلای قوه قضاییه به کار برد.

اگر ادعا کنیم که امروز قوه قضاییه ما در حد نصاب است، ادعای درستی نکرده ایم. قوه قضاییه به طور مداوم باید در خود اصلاحات کند، مشکلات را برطرف کند، راهها را هموار کند، عناصر را توجیه کند و تخلفات را کم کند. بنده مکرر در گذشته گفته ام، آن روزی می توان درباره قوه قضاییه نفس راحتی کشید که این حالت در جامعه پیش آید که هر کسی در هر جای کشور مورد ستم کوچک یا بزرگی - از هر نوع - قرار گرفت، در دل او چراغ امیدی روشن باشد که سراغ قوه قضاییه خواهد رفت و تظلم خواهد کرد و بدون هیچ گونه لکنت و درنگ و کندی در کار، حق خود را خواهد گرفت. باید سعی کنید قوه قضاییه به این جا برسد. این هم فقط با عمل شما میسر است؛ به گفتن به مردم و وعده دادن و «مردم امیدوار باشید» و امثال اینها درست نمی شود. باید این قدر این تجربه در میان مردم تکرار شود تا همه



به این باور برسند. هر وقت به این جا رسیدیم، می توانیم سرافرازانه بگوییم که نظام قضای اسلامی در کشور ما کامل شده است. خوشبختانه در این جهت، حرکت محسوس است. امیدواریم که خدای متعال به شما کمک کند تا بتوانید این حرکت را روزبه روز تسریع کنید و ان شاءالله با برنامه ریزی مرتب و مدوّتی به پیش بروید.  
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته